

تعرفه‌های گمرکی به‌عنوان ابزاری راهبردی برای فشار

جبهه سرد آمریکا و چین و چالش گروه بریکس

یازده کشور عضو گروه بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، مصر، اتیوپی، ایران، اندونزی، عربستان و امارات) روز شنبه ۶ ژوئیه ۲۰۲۵ میلادی در ریودوژانیرو، پایتخت برزیل، گرد هم آمدند و سندی با عنوان «تقویت همکاری میان کشورهای جنوب برای حکمرانی فراگیرتر و پایدارتر» را امضا کردند؛ سندی که بر پایبندی این گروه به تقویت چندجانبه‌گرایی، دفاع از حقوق بین‌الملل و تلاش برای نظام جهانی عادلانه‌تر تأکید می‌کند؛ اما در این نشست، هیچ تصمیم یا پروژه‌ای درباره راه‌اندازی نظام پولی جدید یا موضوعات مهم منطقه‌ای و جهانی مانند جنگ اوکراین و خاورمیانه گرفته نشد. گروه بریکس در بیانیه پایانی نشست، از تعرفه‌های گمرکی قریب‌الوقوع آمریکا انتقاد کرد. در مقابل، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داد که کشورش بر هر دولتی که به گفته او «سیاست‌های ضدآمریکایی» بریکس را در پیش گیرد، ۱۰ درصد تعرفه گمرکی اضافه وضع خواهد کرد.

این تهدید ترامپ به وضع تعرفه‌های گمرکی مضاعف، بخشی از یک راهبرد گسترده‌تر آمریکا است که بیش از پیش میان سیاست اقتصادی و اهداف ژئوپلیتیکی پیوند برقرار کرده است. هرچند تعرفه‌های گمرکی آمریکا به‌ویژه آن‌هایی که متوجه چین هستند در آغاز به‌عنوان اقدامات اصلاحی برای جبران کسری‌های تجاری طراحی شده بود، اما به تدریج به ابزاری کلیدی برای مقابله راهبردی بدل شد که هم‌زمان اتحادهای جهانی را شکل داد و مرزهای اقتصادی را بازتعریف کرد.

ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود، جنگ تجاری شدیدی با چین آغاز کرد و تعرفه‌هایی بر کالاهای چینی به ارزش بیش از ۳۶۰ میلیارد دلار وضع نمود. گرچه توجیه رسمی این اقدام، مقابله با رویه‌های تجاری ناعادلانه و سرقت مالکیت فکری بود، اما اسناد راهبردی و تحلیل مراکز پژوهشی از انگیزه‌ای عمیق‌تر حکایت دارد: مهار ظهور چین به‌عنوان یک قدرت فناوری و نظامی بی‌رقیب، چنان‌که در گزارش بنیاد هریج در سال ۲۰۲۲ آمده: «پیروزی در جنگ سرد جدید: طرح مقابله با چین». این رویکرد که «سیاست ژئواقتصادی» نامیده می‌شود، از ابزارهایی چون تعرفه‌های گمرکی، تحریم‌ها و کنترل صادرات برای تثبیت سلطه آمریکا در عرصه‌های اقتصادی و امنیتی بهره می‌گیرد.

این راهبرد در دوره بایدن نیز ادامه یافته است؛ به‌طوری‌که محدودیت‌های صادراتی علیه صنایع نیمه‌هادی و هوش مصنوعی چین، همراه با «قانون تراشه‌های رایانه و علوم»، نشان از اجماع هر دو حزب در آمریکا دارد مبنی بر این‌که روابط اقتصادی با پکن، خطری برای امنیت ملی ایالات‌متحده محسوب می‌شود. بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل نیز تصریح کرده که تجارت و سرمایه‌گذاری از رقابت‌ها و منافع راهبردی جدا نیستند. امروزه، دریای چین جنوبی و منطقه هند و اقیانوس آرام به صحنه‌های اصلی اجرای این راهبرد بدل شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که تعرفه‌های گمرکی با افزایش حضور نظامی، عملیات دریانوردی و تشکیل ائتلاف‌هایی چون آکوس (استرالیا، آمریکا و بریتانیا) و کواد (استرالیا، آمریکا، هند و ژاپن) هم‌زمان شده است؛ ائتلاف‌هایی که همگی هدفشان مهار نفوذ دریایی و قدرت منطقه‌ای چین است. طبق گزارش پولیتیکو ۲۰۲۴، کارزارهای فشار اقتصادی در دوران ترامپ کاملاً با اهداف پنتاگون هم‌راستا بوده‌اند؛ چه در دوره ریاست‌جمهوری بایدن و چه پیش و پس از بایدن.

از سوی دیگر، چین بارها تلاش‌های مهار مشابه دوران جنگ سرد را که میان آمریکا و اتحاد شوروی رایج بود، رد کرده است. شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، «تعرفه‌های گمرکی یک‌جانبه و جنگ‌های تجاری» را عامل بی‌ثباتی نظم جهانی دانسته و خواستار بازگشت به «چندجانبه‌گرایی واقعی» و «همکاری سودمند دوجانبه» شده است. در سند راهبرد امنیت ملی چین نیز دولت این کشور آشکارا «سیاست ائتلاف‌سازی» را محکوم کرده است. وزارت امور خارجه چین هم هشدار تعرفه‌ای ترامپ در سال ۲۰۲۵ را «اجبار اقتصادی» خوانده که هدفش تقسیم جهان به اردوگاه‌های متخاصم است. وزیر خارجه چین درباره تهدید تعرفه‌ای ترامپ چنین گفته است: «تعرفه‌های گمرکی نباید به ابزاری برای اجبار، ارباب یا دخالت در امور کشورهای دیگر تبدیل شود» (تایم، ۲۰۲۵).

اکنون، هشدار اخیر ترامپ به مرحله‌ای تازه در این رقابت راهبردی اشاره دارد. او با تهدید به مجازات کشورهای که از نظر اقتصادی به گروه بریکس نزدیک می‌شوند؛ این بلوک شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است، عملاً خطوط وفاداری را در جهانی چندقطبی نوظهور

ترسیم می‌کند. دولت او گروه بریکس را بستری برای سیاست‌های ضدآمریکایی می‌داند، به‌ویژه از طریق تلاش‌ها برای «کاهش وابستگی به دلار» در مبادلات جهانی، ملی کردن منابع و ارائه گزینه‌های وام‌دهی جایگزین برای صندوق بین‌المللی پول (به نقل از فایننشال تایمز، ۲۰۲۵).

بدین ترتیب، انتقام‌گیری اقتصادی دیگر تنها به عدم توازن روابط دوجانبه محدود نیست، بلکه به ابزاری برای جهت‌دهی نظم جهانی تبدیل شده است تا از تشکیل بلوک‌های مستقل جلوگیری کند و ساختارهای تجارت و امنیت مبتنی بر محوریت آمریکا را تقویت نماید؛ بنا به گزارش‌های مؤسسه بروکینگز، این تهدیدهای تعرفه‌ای بخشی از کارزاری بزرگ‌تر برای «بازسازی نظم جهانی بر اساس هنجارهای آمریکایی، زنجیره‌های تأمین و سلطه سرمایه» هستند.

این تهدیدها آثار عمیقی به دنبال دارند. درحالی‌که لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، هشدار ترامپ را «نادرست و غیرمسئولانه» خواند و دیگر اعضای بریکس نیز بر تعهد خود به «اصلاح حکمرانی جهانی» تأکید کردند، خطر فروپاشی اقتصاد جهانی بیش‌ازپیش نمایان می‌شود. چنین شکاف‌هایی ممکن است به پیدایش نظام‌های مالی موازی، زیرساخت‌های دیجیتال رقیب و بلوک‌های تجاری مبتنی بر اختلافات ایدئولوژیک منجر شود و راه را برای آنچه بسیاری اکنون «جنگ سرد دوم» می‌نامند، هموار کند؛ جنگی که نه با نیروهای نیابتی، بلکه از رهگذر تعرفه‌ها، محدودیت‌های فنی و ساماندهی مجدد زنجیره‌های تأمین دنبال می‌شود.

در وضع کنونی سیاست بین‌الملل که تماماً بر بنیان‌های واحد سرمایه‌داری ایده‌آل بنا شده، افق روشنی برای تغییر بنیادی دیده نمی‌شود. نظام جهانی امروز، بر اساس منافع قدرت‌های بزرگ، بازتعریف می‌گردد و مفاهیمی چون عدالت، توازن و کرامت انسانی در حاشیه قرار دارند. از این رو، جهان بیش از هر زمان دیگری به مبنایی تازه نیاز دارد تا مفاهیم حکمرانی و توزیع عادلانه ثروت را، چه درون کشورها و چه در سطح جهانی، بازتعریف کند. اسلام، به‌عنوان یک مکتب، با پیشینه‌ای روشن در عدل‌ورزی و مرجعی فکری ریشه‌دار در سیادت و تشریح الهی، توانایی ایفای چنین نقشی را دارد. اسلام الگویی اصیل ارائه می‌کند که توازن میان حقوق و وظایف را برقرار می‌سازد و مصلحت انسان و عدالت را در کانون نظام سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» «ما پیغمبران خود را همراه با دلایل متقن و معجزات روشن روانه کرده‌ایم و با آنان کتاب‌های و موازین نازل نموده‌ایم تا مردمان دادگرانه رفتار کنند؛ و آهن را پدیدار کرده‌ایم که دارای نیروی زیاد و سودهای فراوانی برای مردمان است. هدف این است که الله سبحانه‌وتعالی بدانند چه کسانی او را و فرستادگانش را بگونه نهان و پنهان یاری می‌کنند. الله سبحانه‌وتعالی قوی عزیز است.»